طرح: استودیو شهرآرا/ حمید قربان‌پور

سیدالشهدا(ع) بنده مطیع پروردگار بود

پای منبر

یک وقت پای منبر علمامی روی که خدایت را بشناسی و یک وقت به دنبال نشانی اولیائش هستی و در حقیقت در میان این نشانه‌ها به دنبال خودت می گردی. خودی که با اینکه عزادار سیدالشهدا(ع) است، اما درست نمی داند چطور شد که ایشان در درجه بالای بندگی ایستاده است و ما هنوز به آغاز راه هم نرسیده ایم. اگر امروز پای منبر حجت‌الاسلام محمدجواد نظافت، خطیب، پژوهشگر، مفسر، مؤسس و مدیرعالی مدارس علمیه حضرت مهدی(عج) بنشینید، به پاسخ برخی پرسش‌هایتان در این باره دست خواهید یافت. ان شاءا...

مهم‌ترین ویژگی پیامبر عبودیت است

در شأن پیامبر اکرم(ص)، در وصف پیامبر اکرم(ص) با وجود صفات بسیاری که ایشان دارد، می گوید عبده و رسوله، عبد بودن، نمی گوید پیامبر عابد است. می گوید عبد است. عبودیت انسان معنی اش این است که بنده خدا بشوی. شیطان شش هزار سال خدا را عبادت کرد، اما به این مقام نرسید. ویژگی عبودیت این است که جبر نیست. نمی گوید عبودیت جبری است. می گوید اینکه بنده خدا باشی یا بنده شیطان باشی به انسان واگذار شده است. در نماز می گوییم ایاک نعبد و ایاک نستعین؛ فقط تو را بندگی می کنم به خاطر آن چیزی است که قبلش می گوید. خدا رحمان است. خدا رحیم است. خدا مالک یوم الدین است. خدا رب عالمین است. چرا ما می گوییم فقط بنده خدا هستیم و لاغیر، چون دیگران لیاقت این بندگی را ندارند. دیگران خودشان مخلوقند. اگر کسی خودش بندگی خدا را انتخاب نکند، این جور نیست که بنده نباشد، بنده شیطان است، بنده شهوت و شکم است، بنده ابعاد حیوانی اش است.

امام حسین(ع) در این باره فرموده اند: «إنَّ الناسَ عَبیدُ الدُّنیا...» یعنی مردم بنده دنیا هستند. عمده مردم بنده دنیا هستند. بندگی غیرخدا زیاد است. برای اینکه بنده خدا شوند باید تلاش کنند و دست و پا بزنند تا از بندگی غیرخدا نجات پیدا کنند. اینکه در نماز بعد از «ایاک نعبد» می گوییم «ایاک نستعین» برای همین است دیگر. خواست یک چیز است، اما عمل یک چیز دیگر است. اینجاست که می گویند «که عشق آسان نمود اول/ ولی افتاد مشکل ها» می خواهید بنده خدا باشید، اما وقتی وارد گودش می شوید می بینید سختی هایی دارد، دشواری هایی دارد باید از دو چیز کمک بگیرید؛ صبر و نماز.

بندگی خدا رهایی می آورد

در دل این کلمه «عبد» خیلی چیزها بیان شده است. اول اینکه اگر کسی عبد خداست، یعنی از غیر خدا آزاد است. اگر عبد خدا هستی به مقام حریت هم رسیده ای. حر شده است. آزاد شده است. از چی آزاد شده؟ از اسارت نفس، از اسارت دنیا. تحت تأثیر حرف های مردم نیست. روزی امام کاظم(ع) از کنار خانه ای می گذشت، صدای آواز از آن خانه به گوش امام رسید، امام به کنیز آن خانه فرمود: «ای کنیز! صاحب این خانه آزاد است یا بنده؟ او عرض کرد: بلکه آزاد است. حضرت فرمود: راست گفتی، اگر او عبد بود از مولای خود می ترسید.» اگر بنده خدا نباشد، می شود بنده خلق و اسیر غیرخدا خواهد بود. اگر کسی عبد خدا باشد، آزاد شده از خلق خدا، چون خودش را به خدا واگذار کرده است.

بندگی تواضع می آورد

حالا ما چرا می گوییم عبد خدا؟ مثلا نمی گوییم حر است. این همه صفات دیگر وجود دارد. پاسخ می دهند که چون آن کس که بنده خداست، می داند که هر چه دارد از خداست و مالکیتش با خداست و به این دلیل تکبر ندارد. کسی که بنده خدا نشده، می داند عبد یعنی چه؟ متکبره، یک کمبودی دارد و می گردد به دنبال چیزی که آن را دستاویز قرار دهد و به واسطه آن به دیگران بگوید من از شما برترم. آدم های متکبر یک کمبودی دارند. تلاش کنیم که تواضع را در خودمان متجلی کنیم. مراقب باشیم که شیطان ما را به درد خودش دچار نکند، چون شیطان به خاطر تکبر سقوط کرد، بنابراین گفته اند به دیگران سلام کنید. در سلام به دیگران پیشی بگیرید. در هر جلسه ای سعی نکنید بالا بنشینید و نخواهید از بالا نشستن، مقامی کسب کنید. اگر بالا باشید هر کجا بنشینید، همان جا بالاست. مراقب باشید به مرض شیطان دچار نشوید، تکبر مرض شیطان است. عده ای از فقرا، امام حسن(ع) را به غذای خود دعوت کردند و حضرت با آن ها غذا خورد، هر چند غذای آن ها جز چند تکه نان خشک چیز دیگری نبود، سپس حضرت بلند شد و آیه ای از قرآن را خواند. «إِنَّ اللَّهَ لَا یُحِبُّ مَن کَانَ مُخْتَالًا فَخُورًا؛ خداوند کسی را که متکبر و فخرفروش است دوست نمی دارد.» (نساء: ۳۶) یکی از راه های تواضع؛ هم نشینی با فرودستان است. انسان باید با فرودستان هم نشینی کند. توصیه شده است، چون حال آدم را خوب می کند. امیرالمؤمنین فرمود: «زیاد به طبقات فرودست جامعه نگاه کن، این دری از درهای شکر است.» آدم وقتی به پولدارتر از خودش نگاه می کند، احساس نارضایتی پیدا می کند. متکبرها دوست ندارند با فرودستان معاشرت کنند و همین به ضرر خودشان و خانواده شان است. اگر کسی بنده خداست خودش را بالاتر از کسی نمی داند.

حجت‌الاسلام محمد جواد نظافت، خطیب، پژوهشگر، مفسر، مؤسس و مدیرعالی مدارس علمیه حضرت مهدی(عج): از ویژگی های بندگان خدا این است که چون خودشان را مالک چیزی نمی دانند، سخاوتمند می شوند

بندگی آرامش می آورد

آن که بنده خداست متکبر نیست، چون می داند چیزی از خودش ندارد. انسان در این دنیا مالک چیزی نیست. نعمت ها پایدار نمی ماند. خدا یک استعدادی به ما داده است، اما اگر اراده کند، می گیرد. اگر جوانی می ماند، بقیه نعمت ها هم می ماند. انسان در این دنیا چیزی از خودش ندارد، بنابراین انسان همه چیز را از دست می دهد. یکی دیگر از ویژگی های بندگان خدا این است که چون خودشان را مالک چیزی نمی دانند، سخاوتمند می شوند. می داند همه چیز امانت است. وقتی انسان خودش را مالک می داند، دریغ می کند، اما کسی که خودش را بنده خدا می داند و خدا را مالک می بیند، از پولدار شدن خوش حال نمی شود و از بی پول شدن هم غمگین نمی شود، چون می گوید این ها مال من نیست. مثل یک کارمند بانک، اینکه فیش پرداختی بگیرد یا دریافتی خوش حال یا ناراحت نمی شود، چون مال او نیست. او امانت دار است. اگر کسی بنده خدا باشد می داند که امانت دار است.

بنده خدا تسلیم امر اوست

دیگر ویژگی بنده خدا این است که مطیع است. در برابر فرمان خدا چون و چرا نمی کند. نگاه می کند ببیند مولا چه می خواهد. تنها رضایت او را می خواهد. ویژگی سیدالشهدا این است که مطیع امر خداست. ایشان می گویند پیامبر اکرم(ص) را در خواب دیدم که به من گفتند به سمت عراق برو. «یا حسین اخرج الی العراق فانّ الله تعالی شاءان یراک قتیلا»، مشیت خدا این است که کشته می شوی تا مردم بیدار شوند. بعد می گوید خانواده ات را هم با خودت ببر، مشیت خدا این است که این ها اسیر می شوند. تسلیم فرمان است. مانند کسی که می رود دکتر، هر چه او بگوید انجام می دهد. تلخ و شیرین و بد و خوبش را می پذیرد. امیرالمؤمنین می فرماید؛ اسلام را یک جوری برایتان تفسیر می کنم که تا حالا کسی برایتان تفسیر نکرده است. «اسلام همان تسلیم است.» (اَلْإِسْلَامُ هُوَ التَّسْلِیمُ.) حکمت ۱۲۵ نهج البلاغه. مسلمانی یعنی تسلیم حکم خدا شو. چه فلسفه اش را بفهمی یا نه. همان طور که به نزد پزشک می رویم. ما در برابر او فهمیدیم که نفهمیدیم و هر چه او بگوید انجام می دهیم.

مهم‌ترین اعداد و ارقام حادثه عاشورا

اعداد هم می توانند راهگشای اسراری برای ما باشند و گاهی سرراست به ما حقایقی را نشان می دهند، مثل عدد ۵ یا ۱۲. در ادامه مهم ترین اعداد و ارقام حادثه عاشورا، از جمله آمار سپاه امام حسین(ع) و لشکر یزید، آمار شهدا و کشته های دشمن، آمار سرهای شهدا و... را با یکدیگر مرور می کنیم.

۱ — ۱۵۰ نامه
روایت‌های متعددی در تعداد نامه‌های ارسالی کوفیان به امام(ع) وجود دارد، اما با توجّه به کثرت قائلان و قدمت برخی منابع آن، به نظر می رسد ۱۵۰ نامه به واقعیت نزدیک‌تر باشد.

۲ — ۱۸ هزار بیعت کننده
تعداد بیعت کنندگان با حضرت مسلم در کوفه به گزارش طبری از ابومخنف

۳ — ۱۰۰ هزار نفر کوفی
در برخی گزارش‌ها آمده است که آمار کوفیان آماده برای جنگ با لشکر یزید ۱۰۰ هزار نفر بودند.

۴ — ۷۲ نفر یار وفادار
هنگام خروج از مدینه: شیخ صدوق به نقل از امام صادق(ع) تعداد یاران را ۲۱ نفر ذکر کرده است.
هنگام خروج از مکه: ابن‌سعد تعداد همراهان امام(ع) را ۶۰ نفر از اصحاب و ۱۹ نفر از بنی‌هاشم (زن، مرد و کودک) نوشته است.
در کربلا (پیش از عاشورا): یاران امام(ع) ۷۰ نفر، نزدیک به ۹۰ نفر بوده‌اند.
روز عاشورا: گزارش ۷۲ نفر به اعتبار منابع، قدمت و نیز کثرت ناقلان آن، پذیرفتنی است.

۵ — ۳۰ لشکر هزار نفری
لشکر عمربن‌سعد به روایت شیخ صدوق از امام صادق(ع) و امام سجاد(ع)، ۳۰ هزار نفر است.

۶ — ۸۸ یا ۲۵۵ نفر کشته از دشمن
ابن‌شهرآشوب، شیخ صدوق و برخی مورخان حدود ۲۵۵ نفر گزارش کرده‌اند، اما دیگر مورخان بنا به جبر زمانه تعداد را ۸۸ نفر اعلام کرده‌اند.

۷ — ۷۲ شهید
مشهورترین گزارش درباره تعداد شهدا ۷۲ نفر است.

۸ — بیش از ۱۰۰ زخم
زخم‌های بدن امام حسین(ع) در مجموع روایت‌های مختلف، بیش از ۱۰۰ زخم بوده است.

۹ — ۷۳ سر بریده
بلاذری، دینوری، طبری، شیخ مفید و خوارزمی، آمار سرها را ۷۲ سر (به جز سر امام(ع)) نوشته‌اند.

۱۰ — ۱۲ یا ۱۴ بازمانده
ابن‌عبد ربه از قول محمدبن حسین(ع) نقل می کند که ما اسرا ۱۲ نفر بودیم، اما قاضی نعمان مغربی، ۱۴ نفر نوشته است که ۴ نفر از آنان خانم بوده‌اند. ابن‌سعد تعداد خانم‌ها را ۶ نفر ذکر می کند.

۱۱ — ۱۰ روز در شام
بنا به قول مشهور ۳ تا ۷ روز عزاداری اهل‌بیت(ع) انجام شد، اما از آغاز ورود به شام در نهایت بیش از ۱۰ روز در شام اقامت نداشتند.